یادداشت

عدالت مالیاتی ابزار تقویت بخش مولد اقتصاد

احمدعلی عاملی . اقتصاددان

● در ادبیات اقتصادی مالیات به‌عنوان منبع اصلی درآمد دولت جهت انجام وظایفش، از عمده متغیرهایی است که نه‌تنها بر متغیرهای کلان اقتصادی چون اشتغال، تورم، رشد اقتصادی و... اثر می‌گذارد، بلکه در تخصیص منابع و توزیع درآمد نیز اثرات ماندگاری به همراه دارد. از آنجایی که کسب درآمد از طریق فعالیت‌های اقتصادی درآمدزا برای دولت محدود بوده و به علاوه دولت در راستای حمایت از گروه‌های کم‌درآمد قادر به قیمت‌گذاری تمام کالاها و خدمات عمومی نیست، بنابراین سهم درآمدهای مالیاتی از کل درآمدهای دولت در کشورهای مختلف جهان اهمیتی بیش از سایر درآمدها پیدا می‌کند.

در کشور ما به‌دلیل درآمدهای نفتی و سیستم ناقص اطلاعات درآمدی، درآمدهای مالیاتی به پایین‌ترین درجه درآمدی کاهش یافته است. درواقع به‌دلیل سهل‌الوصول‌بودن درآمدهای نفتی دیگر توجیهی برای به زحمت‌افتادن دولت برای مالیات‌گیری نمی‌گذارد. اما نکته موردنظر در این یادداشت نقصان و لطمه‌ای است که این نظام مالیاتی بر بدنه اقتصادی کشور از ناحیه توزیع درآمد می‌زند.

آنچه که هم‌اکنون در کشور مشاهده می‌کنیم، این است که جامعه کارگری و کارمندی ما قبل از دریافت دستمزد و حقوق خود بخش زیادی از آن را در قالب مالیات، ازدست‌رفته می‌بینند اما بنگاه‌های اقتصادی و بخش‌های مولد نیز پس از تامین هزینه‌های جاری و سربار و همچنین پرداخت سودهای بانکی وام‌ها و تسهیلات ماخوذه خود، ملزم به پرداخت مالیات و مالیات بر ارزش‌افزوده هستند. اگر ۳۰درصد سود بانکی و هشت‌درصد مالیات بر ارزش افزوده و مالیات بر درآمد را در نظر بگیریم، یعنی بنگاه‌های اقتصادی مولد علاوه بر تحمل ریسک تامین نهاده‌های تولید و فروش محصولات، حدود ۴۰درصد از جریان نقدینگی خود را باید به‌عنوان مالیات به دولت یا به‌عنوان سود تسهیلات به بانک‌ها یا موسسات مالی و اعتباری بپردازند. در حالی‌که سود بهترین بنگاه‌های اقتصادی دولتی با بیشترین درجه حمایت تنها حدود چهار تا ۱۰درصد است. در این شرایط فعالیت‌های نامولد از جمله سود سپرده‌های کوتاه و میان و بلندمدت و اوراق قرضه و مشارکت که حتی اکثرا بدون نام هم منتشر و عرضه می‌شود را داریم که بدون هیچ‌گونه مالیاتی و همچنین بدون هیچ ریسکی با بالاترین تضمین‌های حقوقی، سودهای متعلقه در سال را کسب می‌کنند. از طرف دیگر بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری از طریق وام‌ها و تسهیلات با نرخ‌های بالا و سودهای بالاتر از بهره‌های سپرده‌ها را از متقاضیان تسهیلات اخذ می‌کنند.

با این وجود مشاهده می‌کنیم مالیات‌گیری در کشور ما که وظیفه توزیع درآمدی را نیز بر عهده دارد، به‌درستی انجام نمی‌شود. یعنی بخشی که بیشترین سود با بالاترین تضمین را دارد معاف از مالیات بوده که خود موجب رشد قارچ‌گونه بخش نامولد در کشور شده است.

پس تحت این شرایط به دولت پیشنهاد می‌شود اگر قصد کمک به تولید را دارد، باید بار مالیاتی این گروه را که با شفافیت بیشتری نیز عمل می‌کند را کم کرده و از بخش‌های نامولد همچون سپرده‌گذارانی که تاکنون معاف از مالیات بوده و همچنین سیستم بانکی که دریافت‌کننده سودهای با نرخ بالا بوده و همچنین بنیادها و نهادهای اقتصادی عمومی مالیات اخذ کرده و مالیات آنان را متناسب با شرایط فعلی کشور افزایش دهد و علاوه بر تغییر نگرش ممیزی مالیاتی برای اعتمادسازی بیشتر به واحدهای تولید در اظهار درآمدهای واحدها و بنگاه‌های خود اعتبار لازم را قایل شده، به‌جای فشار و بی‌اعتنایی به آنها، درصدد شناسایی فراریان مالیاتی برآمده و حقوق حقه ملت را از آنها اخذ کند. البته برای دستیابی به این منابع عظیم انسانی و درآمدی که می‌تواند موجب تسریع در اجرای طرح‌های نیمه‌تمام و زیربنایی برای توسعه همه‌جانبه کشور شود، همکاری، همدلی و صمیمیت بیش از پیش اصحاب بهارستان و پاستور را در اصلاح ماده ۱۴۵ قانون مالیات‌های مستقیم می‌طلبد.

خبر

تورم خرداد ۲۷/۷درصد

● **ایرنا:** اداره آمار بانک‌مرکزی اعلام کرد: نرخ تورم در ۱۲ماه منتهی به خردادماه ۱۳۹۳ نسبت به ۱۲ماه منتهی به خردادماه ۱۳۹۲ معادل ۲۷/۷درصد است. شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در خردادماه۱۳۹۳ به عدد۱۹۴ رسید که نسبت به ماه قبل ۱/۷درصد افزایش یافت. این شاخص در خردادماه ۱۳۹۳ نسبت به ماه مشابه سال قبل معادل ۱۴/۶درصد افزایش داشته است.

حداکثر مبلغ هر کارت هدیه ۵۰۰هزار تومان تعیین شد

● **شرق:** بانک‌مرکزی دستورالعمل جدید شیوه صدور کارت هدیه و بن کارت ریالی را ابلاغ کرد که بر اساس آن حداکثر مبلغ هر کارت هدیه ۵۰۰هزار تومان بوده و فاقد قابلیت شارژ مجدد است و پس از اتمام موجودی باید ابطال شود.

تا نفت داریم، «امنیت غذایی» هم داریم

ادامه از صفحه ۴

موضوع هدفمندی یارانه‌ها و تاثیر آن بر تولید محصولی مانند گندم را مثال می‌زنم تا چندبعدی‌بودن تولید مشخص شود. مرکز پژوهش‌ها در گزارشی به تاثیر هدفمندی یارانه‌ها بر تولید گندم اشاره کرده است. بر اساس این گزارش در سال ۹۰ با افزایش هزینه‌هایی که هدفمندی به اقتصاد وارد کرد، هزینه تولید هر کیلو گندم ۳۳۰تومان بوده و قیمت تضمینی خرید گندم ۳۳۳تومان اعلام شد. یعنی سودی که تولیدکننده از تولید هر کیلو گندم می‌برد تنها سه تومان بود. آیا برای تولیدکننده صرفه اقتصادی داشت که بخواهد در چنین شرایطی گندم تولید کند؟ قطعا تمایلی وجود ندارد و تولید گندم کاهش می‌یابد. همین گزارش بیان می‌کند در بخش تولیدات گلخانه‌ای ۵۰ درصد هزینه‌های تولید مربوط به هزینه‌های انرژی است. همین عامل سبب شد هزینه تولید محصولات گلخانه‌ای به شدت بعد از هدفمندی یارانه‌ها بالا رود و بسیاری از گلخانه‌ها ورشکست شدند و دیگر محصولی تولید نکردند. این تنها نمونه‌ای بود که من می‌توانم با کمک آن بگویم وزیر جهاد کشاورزی نقطه اول و آخر تصمیم‌گیری در مورد محصولات و مسایل حوزه کشاورزی نیست. کل سیاست‌های اقتصادی است که می‌تواند بر تامین «امنیت غذایی» کشور تاثیر بگذارد. ما باید قبول کنیم که بخش کشاورزی هم مانند بخش صنعت است. همانطور که انتظار داریم در بخش صنعت تولید همراه با سودآوری وجود داشته باشد و سرمایه‌گذار راغب باشد به این حوزه وارد شود، در بخش کشاورزی هم باید این دیدگاه وجود داشته باشد.

اما در تمام این سال‌ها ما هیچ وقت شاهد چنین نگاهی نبوده‌ایم.

دقیقا. در تمام این سال‌ها نگاه ما به بخش کشاورزی این بود که با کمترین حمایت و بدون سیاست‌گذاری شفافی و حتی بدون صرفه اقتصادی باید تولید کند چون مردم به غذا نیاز دارند. تولیدکننده بخش کشاورزی حلقه گمشده و دیده‌نشده بخش کشاورزی است اما در بخش صنعت ما همیشه دغدغه سودآوری را داشته‌ایم و همواره سودآوری این بخش را دنبال کرده‌ایم. این امر سبب شده که کم‌کم برخی از محصولات کشاورزی از چرخه تولید در برخی مناطق تولیدی حذف شوند. همین الان در برخی از نقاط، دیگر گندم تولید نمی‌شود و کشاورز به کاشت و برداشت سبزیجات و محصولات جالیزی بسنده می‌کند. چون این محصولات صرفه اقتصادی دارد.

فکر نمی‌کنم دیدگاه مسوولان به بخش کشاورزی تامین «امنیت غذایی» کشور باشد.

با حرف شما موافقم. در عمل اعتقادی به بخش کشاورزی وجود ندارد اما در شعارها توجه خاصی به این بخش می‌شود. همیشه صدای صنعت خیلی بالاتر از صدای کشاورزی بوده است. صنعت‌گران ما، قدرت و پول دارند و می‌توانند در مجامع تصمیم‌گیری، لابی کنند اما کشاورزان ما در روستاها و مناطق دورافتاده و با کمترین امکانات هیچ قدرت چانه‌زنی و لابی‌گری‌ای ندارند. نمونه آن را شاید بتوان در بحث مربوط به هدفمندی دید. با اجرای قانون هدفمندی همه رسانه‌ها از بلایی که هدفمندی بر تولید وارد کرد، نوشتند اما هیچ خبری از بخش کشاورزی در میان اخبار نبود. اردیبهشت سال‌جاری مرکز پژوهش‌های مجلس گزارشی منتشر کرد که بر اساس آن نشان داده بود اگر منابع هدفمندی صرف تقویت کشاورزی شود تاثیر مثبت آن بر تمام بخش‌ها بسیار بیشتر از زمانی است که ما فقط یارانه نقدی توزیع کنیم یا تولید را تقویت کنیم. همینطور است. این موضوعات به‌تازگی دارد طرح می‌شود و حالا بعد از اینکه تولید بخش کشاورزی در کشور کاهش یافته گزارش‌ها یکی پس از دیگری از اهمیت بخش کشاورزی سخن می‌گویند. اما مساله این است که همچنان در کل سیستم اقتصادی کشور عزم جدی برای تغییر رویه برخورد با این بخش حیاتی وجود ندارد. نمونه آن اختلاف فاحش قیمت خرید تضمینی محصولات از کشاورز داخلی و واردات همان محصولات از خارج است. وزیر جهاد کشاورزی پرچم‌دار «امنیت غذایی» در کشور نیست و تنها بخشی از تصمیمات در اختیار ایشان است. آن بخش هم این است که وزیر با سیاست‌های خود بتواند در حوزه کشاورزی تاثیرگذار باشد. بر اساس گزارشی که مرکز پژوهش‌های مجلس ارایه داده است در سال ۲۰۱۱ دولت برای واردات هر تن گندم ۲۸۷ دلار هزینه کرده و در سال ۲۰۱۲ برای واردات هر تن ۲۶۰دلار هزینه کرده است. در این سو ما برای خرید تضمینی گندم داخلی با احتساب میانگین دلار هزارو۹۰۰تومانی بازار آزاد، گندم کشاورز داخلی را در سال ۲۰۱۱ در حدود ۵۱ درصد و در سال ۲۰۱۲ در حدود ۱۷درصد کمتر از قیمت جهانی می‌خریم. پس موضوع رقابت جهانی در حوزه کشاورزی کلا منتفی است و کشاورز ما مدام متضرر می‌شود. این سیاست‌ها یک سوی قضیه است و شعارهایی که درخصوص ایجاد مزیت رقابتی و نگاه به خارج داریم هم سوی دیگر قضیه قرار دارد که هیچ نوع هماهنگی و همخوانی بین این شعارها و آن عملکرد وجود ندارد.

سال گذشته دولت هر کیلو گندم را با قیمت حدود ۴۰۰تومان در هر کیلو از کشاورز می‌خرید و در همان زمان با ارز مرجع هزارو۲۲۶تومانی برای واردات هر کیلو گندم بالغ بر هزارو۲۰۰ تومان یعنی سه‌برابر هزینه می‌کرد؛ سیاستی که سبب شد بخش عمده گندم ما به کشورهای عربی قاچاق شود.

نکته همین است که دولت حاضر نیست از تولیدکننده و کشاورز داخلی حمایت کند و بهای بیشتری بابت محصولات کشاورزی بپردازد اما حاضر است همان محصول را با سه‌برابر قیمت از دیگر کشورها وارد کند. موضوع خریدهای تضمینی موضوعی است که وزارت جهاد کشاورزی باید به آن توجه کند و پاسخ دهد که بر اساس چه معیاری قیمت ۴۰۰تومان را برای خرید هر کیلو گندم انتخاب کرده است؟ آیا این قیمت هیچ انطباقی با معیارهای جهانی دارد؟ چه حاشیه سودی برای کشاورز در نظر گرفته است؟ اگر کشاورز زمین و امکانات خود را بفروشد و همه دارایی خود را در بانک بگذارد سودی که ماهانه می‌گیرد به مراتب بیشتر از کاشت و برداشت محصولی نیست؟ یکی از کارهایی که وزارتخانه جهاد کشاورزی باید انجام دهد همین است که بررسی کند در شرایطی که موضوع «امنیت غذایی» تا این حد در کشورهای دیگر جدی است باید چه سیاستی داشته باشد و چه قیمت تضمینی را برای محصولات اعلام کند که کشاورزی ما حداقل در همین سطح بماند.

دسترسی اقتصادی به مواد غذایی دومین فاکتور «امنیت غذایی» است که به آن اشاره کردید. در این فاکتور وضعیت ما چگونه است؟

یکی از اهداف هدفمندسازی یارانه‌ها این بود که با پرداخت نقدی عدالت اجتماعی را برقرار کنند و امکان دسترسی طبقات محروم به کالاها و نیازهای اساسی را ممکن و «امنیت غذایی» را هم محقق کنند. در سوالات قبل توضیح دادم که یارانه‌ها چگونه باعث افزایش هزینه‌های تولید محصولات کشاورزی شد. در بعد مصرف هم هدفمندی یارانه‌ها به جای تاثیر مثبت، آثار سوئی بر جای گذاشت. اولین تاثیر هدفمندی یارانه‌ها این بود که تورم بالا رفت و قیمت‌ها به شدت افزایش یافت. طبق اطلاعاتی که بانک مرکزی منتشر کرده است در سال ۹۰ بر اساس شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی، نرخ تورم ۲۱/۵ درصد بوده و این شاخص در سال ۹۱ به ۳۰/۵ درصد رسیده است. یعنی تنها در عرض دو سال تورم حدود ۹درصد افزایش یافته است. اما در بحث «امنیت غذایی» می‌گویند باید کاری کنیم که هم درآمد افراد افزایش و هم تورم کاهش یابد به نحوی که افراد به‌راحتی به مواد غذایی دسترسی داشته باشند. اما در این سال‌ها تورم افزایش یافت و درآمد افراد به همان تناسب افزایش نیافت. این سبب شد افراد مجبور شوند بخشی از کالاها را از سبد معیشت خانوار خود حذف کنند. در سال‌های ۹۰ و ۹۱ مجموع هزینه خانوار شهری ۲۲/۸ درصد و در سال ۹۱ حدود ۲۷ درصد افزایش یافته است. اگر این افزایش ۲۷ درصدی هزینه‌های خانوار را از تورم ۳۰/۵ درصدی کم کنیم می‌بینیم که هزینه‌های خانوار کمتر از تورم افزایش یافته است. این به این معناست که سبد معیشت خانوار گسترده نشده بلکه تنها هزینه‌ها بالا رفته و حتی کمتر از نرخ تورم و با این اوصاف چه‌بسا سبد کوچک‌تر هم شده باشد.

ما در تامین موجودی مواد غذایی دچار مشکل هستیم و به تولید پایدار نرسیده‌ایم. در همه‌جای دنیا نوسان در تولید وجود دارد اما شدت نوسانات تا این حد نیست. در شرایطی که موضوع «امنیت غذایی» تا این حد مهم است ما نیاز داریم که با برنامه‌ریزی حرکت کنیم اما هنوز به این مرحله نرسیده‌ایم

گواهی هم بر این ادعا که سبد کوچک‌تر شده دارید؟

بانک مرکزی هزینه‌های واقعی را محاسبه کرده است. بر اساس این محاسبه هزینه‌های واقعی خانوار در سال ۹۰ تنها ۱/۵ درصد افزایش یافته و در سال ۹۱ این هزینه‌ها منفی ۱/۳ درصد بوده است. این یعنی خانوارها نه‌تنها اقلام سبد کالایشان افزایش نیافته بلکه مجبور شده‌اند برخی از اقلام را حذف کنند. یعنی هدفمندی یارانه‌ها از دیدگاه مصرف نه‌تنها «امنیت غذایی» در بحث دسترسی اقتصادی را بیشتر نکرده بلکه «امنیت غذایی» خانوارها به مخاطره هم افتاده است. شاخص قیمت‌ها را که بررسی کنیم، می‌بینیم که سال ۹۰ قیمت غلات و نان ۵۵ درصد و در سال ۹۱ حدود ۳۷ درصد گران‌تر شده است. قیمت گوشت در سال ۹۰، ۱۱/۴ درصد و در سال ۹۱، ۴۹درصد افزایش یافته است. ماهی و حیوانات دریایی در سال ۹۰، ۱۸/۵ درصد و ۶۳ درصد هم در سال ۹۱ افزایش یافته است. میوه و خشکبار هم ۳۹ درصد در سال ۹۱گران‌تر شده است. یعنی افزایش قیمت این کالاها حتی از نرخ تورم هم بیشتر بوده است. مردم هم کمتر مصرف کرده‌اند.

آماری در حوزه این کاهش مصرف وجود دارد؟

اطلاعات بانک مرکزی نشان می‌دهد که در سال ۸۹ مصرف برنج یک خانوار چهارنفره ۱۵۹ کیلو بوده است که این میزان به ترتیب در سال ۹۰ و ۹۱ به ۱۴۷ و ۱۳۱ کیلو رسیده است. در سال ۸۹ مصرف نان خانوار ۳۹۵ کیلو بوده که در سال‌های ۹۰ و ۹۱ به ترتیب به ۳۵۶ و ۳۴۷ رسیده است. مصرف گوشت خانوار هم در سال‌های ۸۹، ۹۰ و ۹۱ به ترتیب از ۴۷ به ۴۸ و سپس به ۴۱ کیلوگرم رسیده است. این کاهش مصرف سالانه خانوار در حوزه ماهی هم صادق است و از ۱۷ کیلو در سال ۸۹ به ۱۵ کیلو در سال‌های ۹۰ و ۱۳ کیلو در سال ۹۱ رسیده است. یعنی سبد کالای مصرفی دایما در حال کاهش بوده است. این نشان می‌دهد هدفمندی یارانه‌ها با آن هدفی که در نظر داشتیم به هیچ عنوان محقق نشده است. البته اینکه همه این کاهش مصرف خانوار ناشی از هدفمندی یارانه‌ها باشد نیاز به تحقیق و مطالعه علمی دارد تا سهم این سیاست در کاهش مصرف مشخص شود.

یعنی «امنیت غذایی» ما از منظر دسترسی غذایی کاهش یافته است؟

نه کاهش نیافته. ما اصلا از این منظر «امنیت غذایی» نداریم و من این را با جرات می‌گویم.

عکس: محمد موبدی، شرق

از منظر موجودی مواد غذایی چطور؟

واردات بی‌رویه از یک‌طرف «امنیت غذایی» را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد و نوسانات تولیدی هم از طرف دیگر. مدت‌هاست که موضوع پدافند غیرعامل در کشور ما مطرح شده و در هر وزارتخانه‌ای چنین تشکیلاتی ایجاد شده است. اما مساله این است که نگاه تنها نگاه فیزیکی است. یعنی ما فقط تهدیدات فیزیکی را مشاهده می‌کنیم. ما آفت محصولات یا ورود میکروب از کشورهای دیگر را تهدید می‌دانیم اما تورم بخش کشاورزی و نوسان تولید را تهدید به حساب نمی‌آوریم. در تمام این سال‌ها دیدگاه این بوده که نفت داریم پس کالا وارد می‌کنیم و چون می‌توانیم محصولات کشاورزی را وارد کنیم پس «امنیت غذایی» هم داریم. ممکن است به نقطه‌ای برسیم که هر کشوری تنها به اندازه رفع نیاز داخل خود محصولات کشاورزی را تولید کند در آن صورت حتی اگر ما پول نفت هم داشته باشیم، نمی‌توانیم محصولات مورد نظر را وارد کنیم. در تمام کشورها موضوع «امنیت غذایی» یک موضوع داغ است. همه در تلاشند با توجه به تغییر اقلیم و آب‌وهوا در تولید محصولات کشاورزی به خودکفایی برسند اما ما اصلا چنین دیدگاهی در عمل نداریم. تا زمانی که سیاست‌گذاری درستی نداشته باشیم حتی اگر بهترین تکنولوژی‌ها و بهترین بذر را هم داشته باشیم باز هم نمی‌توانیم موفق باشیم. رانت، ریشه اقتصاد ما را خشکاند. ما هیچ نمودی از اقتصاد را در بخش کشاورزی نمی‌بینیم. دیدگاه ما در این بخش دیدگاه اقتصادی نیست.

اما در سندهای بالادستی به بخش کشاورزی توجه ویژه می‌شود.

مشکل از سند نیست. ما در کشورمان سند تغذیه داریم. در این سند تاکید شده که طی سال‌های ۹۰ تا ۹۹ باید سواد تغذیه‌ای مردم ۵۰ درصد افزایش یابد. میانگین مصرف مواد غذایی باید ۱۵ درصد بیشتر شود. ما الزامات قانونی زیبایی داریم اما در عمل هیچ‌کدام اجرا نمی‌شود که این خود مساله است. ما نه بانک اطلاعاتی داریم نه مدل اقتصادی و نه مرجع تصمیم‌گیری واحد. حرکت در این مسیر مانند این است که چشم شما را ببندند و شما بدون هیچ تصوری از راه مقابل خود، بگویید من در عرض یک ساعت یک کیلومتر حرکت می‌کنم. اما وقتی حرکت می‌کنید مسیر به قدری سخت و دشوار است که نمی‌توانید قدم از قدم بردارید. نبود آمار و اطلاعات در بخش کشاورزی هم حرکت و پیش‌بینی مسیر را دشوار کرده. چون آمار دقیق و روزآمد نداریم نمی‌توانیم به برنامه‌ها برسیم. ما حتی نمی‌دانیم هزینه تولید محصولاتمان چقدر است (البته برخی از محصولات زراعی است نه همه). هزینه‌های تولید تک‌تک محصولات در کشورهای دیگر مشخص است اما برای ما مشخص نیست. همه الگوی کشت دارند ما نداریم. این موضوعات همیشه مطرح بوده هنوز هم مطرح است و در آینده هم مطرح می‌شود.

با توجه به موضوع کمبود آب و هشدارهایی که می‌دهند، در آن صورت وضعیت «امنیت غذایی» چگونه است؟

یکی از مشکلات مهم بخش کشاورزی در حال حاضر همین بحران آب است. بر اساس برآوردهای انجام‌شده توسط فائو، جمعیت جهان تا سال ۲۰۵۰ به ۹میلیاردنفر می‌رسد و با افزایش جمعیت، تقاضا برای غلات و گوشت به ترتیب ۶۵ و ۵۶ درصد افزایش می‌یابد. در مقابل این افزایش تقاضا برای غذا، منابع آب شیرین مانند رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و آب‌های زیرزمینی به دلیل استفاده بیش‌ازحد در حال کاهش کمیت و کیفیت هستند. ایران با میانگین بارندگی سالانه ۲۵۲ میلیمتر جزو مناطق خشک و نیمه‌خشک طبقه‌بندی می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد (خانی، ۱۳۸۹) ایران در سال ۲۰۵۰ با تنش کم‌آبی روبه‌رو می‌شود و این مشکل همراه با بالابودن متوسط سرانه مصرف آب ایران بیش از استانداردهای جهانی بحران را مضاعف می‌کند. آمار سازمان ملل نیز نشان می‌دهد استاندارد سرانه آب در جهان ۱۶۷۰ مترمکعب است که این رقم در ایران در سال ۲۰۲۵ به حدود ۹۶۰ مترمکعب خواهد رسید و ایران در ردیف کشورهایی قرار خواهد گرفت که دچار کم‌آبی مزمن می‌شود. هم‌اکنون نیز شاهد هستیم که کمبود آب کشور را با بحران مواجه می‌کند. با توجه به این واقعیت که عمده مصرف آب ایران در بخش کشاورزی است که بیش از ۹۰درصد مصرف آب کشور را به خود اختصاص داده است، طبیعتا ادامه روند موجود و عدم‌مدیریت صحیح منابع آبی کشور، تولید محصولات کشاورزی را مورد تهدید قرار می‌دهد.

گذر

کاهش ۶۲۸ واحدی شاخص بورس

● **ایرنا:** شاخص کل بورس و اوراق بهادار در پایان معاملات دیروز با ۶۲۸ واحد کاهش به ۷۰هزارو۳۴۱واحد رسیده است. شاخص‌های ۳۰شرکت بزرگ ۳۰واحد، آزاد شناور ۸۵واحد، بازار اول ۴۵۶واحد، بازار دوم ۱۲۸۴واحد و صنعت ۴۹۷ واحد در معاملات دیروز با افت مواجه شدند.

اکتان بنزین تهرانی‌ها افزایش یافت

● **ایرنا:** عباس کاظمی، مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی گفت: اکتان بنزین مصرفی در شهر تهران از ۸۷ به ۹۱ رسیده که این امر باعث افزایش کیفیت بنزین و کارکرد بهتر موتور خودروها شده است.

رتبه واقعی ایران در ثبت مالکیت در جهان ۵۲ است

● **شرق:** مرکز پژوهش‌های مجلس با تاکید بر اینکه اطلاعات نادرست و ناقصی پیرامون رویه ثبت مالکیت در ایران به بانک جهانی ارایه می‌شود، اعلام کرد: در صورت تصحیح اطلاعات، رتبه ایران از ۱۶۵ در گزارش بانک‌جهانی به رتبه۵۲ خواهد رسید.

تزریق ۱۰۰میلیارددلار پول نفت به بانک‌مرکزی

● **ایسنا:** مدیرعامل پیشین شرکت نفتی نیکو از تزریق بیش از صدمیلیارددلار پول صنعت نفت به بانک‌مرکزی طی چهارسال گذشته خبر داد. سیف‌الله جشن‌ساز در مراسم تودیع و معارفه مدیرعامل پیشین و جدید شرکت نفتی نیکو که صبح دیروز (نهم‌تیرماه) برگزار شد با یادآوری این نکته که از سال ۱۹۸۷ میلادی از سوی کشور آمریکا، تحریم‌های بین‌المللی کالا و خدمات آغاز شد، گفت: در شرایط تحریم، شرکت نیکو توانست حدود ۲۰میلیارددلار به پروژه‌ها پول برساند، همچنین این شرکت از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ توانست از روش‌های مختلف و با خلاقیت، از طریق صنعت نفت به بانک‌مرکزی بیش از صدمیلیارددلار پول که مربوط به فروش نفت و فرآورده‌های آن بود برساند.

پرونده رانت ۶۵۰ میلیون‌یورویی به قوه‌قضاییه نرفت

● **مهر:** سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ گفت: پرونده رانت ۶۵۰میلیون‌یورویی به قوه قضاییه ارجاع نشده است و با نظر کمیسیون اصل ۹۰ این ارجاع منتفی است.

LEON
Since 1960

Happy Ramadan

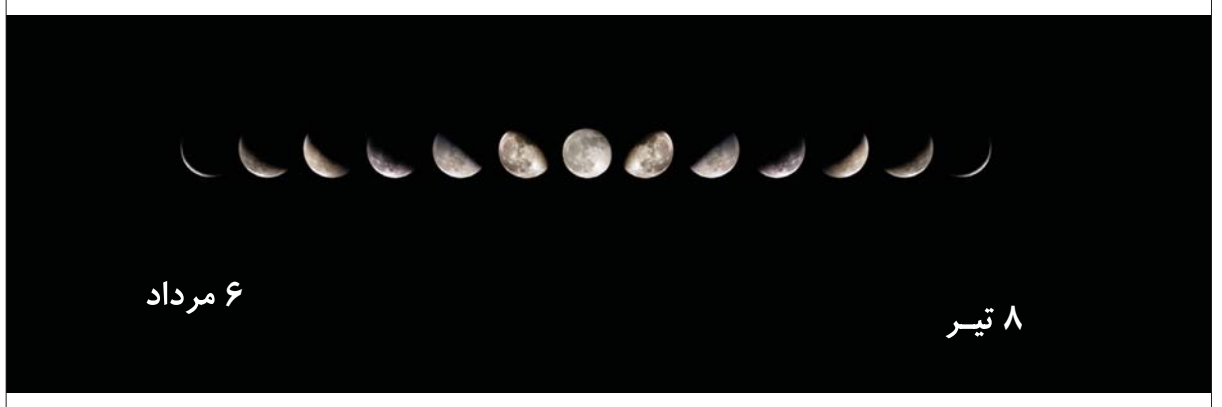

افطاری متفاوت در ماه رمضان
رستوران لئون

آبان جنوبی: خیابان کریم خان زند
خیابان آبان جنوبی، نبش چهارراه ورشو
تلفن : ۸۸۹۰۴۶۲۵-۸۸۹۳۰۳۶۳

فرشته: سام سنتر- طبقه۸
تلفن : ۲۲۶۵۳۸۴۱

نیاوران: خیابان دکتر باهنر(نیاوران)
قبل از دوراهی دزاشیب
تلفن : ۲۲۷۲۴۲۰۰-۲۲۷۲۴۴۰۰

www.leon1960.com

Design: HIG+/Rakhshani